

شناسایی دلالت‌های شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم برای حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی

سیده الهام آقایی*
دکتر انسیه زاهدی**
دکتر جمیله علم الهدی***

چکیده

این مقاله می‌کوشد شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم را شناسایی کرده، مؤلفه‌های کلیدی زیبایی و زیانمایی را از آن استنباط و دلالت‌های آن را برای حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی استخراج کند. در این پژوهش برای تأمین اهداف فوق از روش توصیفی-تحلیلی محتوای متن استفاده و سپس یافته‌های تحقیق توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده‌است. بر مبنای این پژوهش دلالت‌های استخراج شده از شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم برای حیطه هدف‌گذاری برنامه درسی در دو دسته قابل تقسیم هستند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. درک، باور و توجه به زیبایی‌های حق، کلام حق، جهان‌آفرینش (اعم از آفاق و انفس) به منزله تجلیات حق، زیبایی‌های اعتقادی و عملکردی برای نورانی کردن درون و برون، تزئین زشتی‌ها توسط شیطان، زشتی‌های اعتقادی و عملکردی به عنوان عامل ظلمانی شدن درون و برون؛ ۲. پرورش مهارت‌های رضایتمندی از خالق زیبایی‌ها، لذت بردن از زیبایی‌های حق، کلام او، جهان‌آفرینش (اعم از آفاق و انفس) به منزله تجلیات او، لذت بردن از زیبایی‌های اعتقادی و عملکردی، تنفر از زیبایی‌های کاذب اعتقادی و عملکردی ظلمت‌آفرین، تعامل عاطفی و معنوی با زیبایی‌ها، توانمندی‌های مشاهده غیرعینی و غیرمادی (درک باطنی)، پرورش مهارت‌های تولید مصنوعات زیبا، پرورش فضایل اخلاقی و تهذیب نفس و پرهیز از رذایل اخلاقی.

واژگان کلیدی: شبکه مفهومی، زیبایی، تربیت، برنامه درسی، قرآن کریم

* کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق(ع) پردیس خواهران
** عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)
*** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۹/۱۶

مقدمه

نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف بر مبنای نوع نگرش خود به انسان، میزان انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به نیازهای جدید، توجیحات متفاوتی را نسبت به حوزه‌های مختلف آموزشی ابراز می‌کنند. اگر نگرش محدودی نسبت به استعدادهای متکثر دانش‌آموزان وجود داشته‌باشد؛ عمدتاً وجهه همت نظام آموزشی، محدود به رشد و آموزش حوزه‌های شناختی دانش‌آموزان می‌شود و از توجه به پرورش سایر ابعاد وجودی آنان که در تکوین یک شخصیت متوازن تأثیر فراوانی دارد، عملاً باز می‌ماند. طبعاً در این شرایط، اثربخشی و کارایی نظام آموزشی به ویژه از منظر پرورش انسان‌های پخته، رشدیافته و فرهیخته به طور چشمگیری تنزل می‌یابد. در واقع، پیشرفت‌ها و تحولات پرشتاب کنونی و مطرح شدن دیدگاه‌هایی همچون تکنرگرایی شناختی، هوش‌های چندگانه، انواع سواد، هوش هیجانی و...، ایجاب می‌کند که با نگاهی جامع به انسان، امکان پرورش شخصیتی متوازن فراهم گردد. بر مبنای برداشت‌های نوین، کار اصلی نظام آموزشی - تربیتی یاد دادن سواد به دانش‌آموزان است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). بازاندیشی در مفهوم سواد و رها کردن آن از دایره بسته سوادهای کلامی و عددی، موجب به رسمیت شناختن هنر به مثابه یکی از اشکال سواد و یکی از ابزار انتقال معنا می‌شود (آیزنر، ۱۹۹۴). بنابراین، تربیت زیبایی‌شناختی صرفاً به کسانی که دارای استعداد ویژه‌ای در این زمینه هستند محدود نمی‌شود، بلکه می‌بایستی جنبه عام و همگانی پیدا کند (رضایی، ۱۳۸۹).

با وجود نقش پر اهمیت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی در رشد و تکوین شخصیت متعادل دانش‌آموزان، این نوع تربیت در غالب نظام‌های آموزشی از جمله کشور ما دارای جایگاه فرعی و حاشیه‌ای است. این جایگاه نازل که قطعاً متأثر از مبانی نظری و نوع دیدگاه و نگرش سیاست‌گذاران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی نسبت به مقوله هنر و تربیت زیبایی‌شناختی است، عملاً باعث می‌شده که کمترین امکانات و منابع انسانی و غیرانسانی بدان اختصاص یابد (امینی، ۱۳۸۴). این امر، دارای این پیامد منفی بوده که بخش قابل توجهی از تئوری‌پردازی‌ها در برنامه درسی، این نوع تربیت را نادیده گرفته‌اند. به ویژه که از دیدگاه اسلامی در این حوزه با فقدان پژوهش مواجه هستیم. به این ترتیب انجام پژوهش‌هایی که با اتکا به مبانی اسلامی بتوانند این کاستی را برطرف کنند، از اولویت بالایی برخوردار است.

1. Eisner

طرح مسئله

برخی صاحب‌نظران، مانند «برودی»، اهمیت تربیت هنری را از منظر زیبایی‌شناختی و هنری صرف مطرح کرده، تأکید می‌کنند که هنرها، ماهیتاً، نشان دهنده اشکال اساسی تجربه انسانی است که زمینه بروز احساسات و تجلی خلاقانه وی را فراهم می‌سازند (برودی، ۱۹۷۷). الیاس (۱۳۸۵، ص ۱۰۳)، هدف از تربیت زیبایی‌شناختی را آشنا کردن دانش‌آموزان با هنر، ارائه فهمی از هنر به آنها، ایجاد حس قدرشناسی از آن و نیز پرورش خلاقیت هنری معرفی می‌کند. در واقع، هنرها موجبات دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش‌ها و معانی فراهم می‌آورند که در هیچ‌یک از حوزه‌های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد. در عین حال، کسب این بصیرت و معانی عمیق در بردارنده تأثیرات و نتایج پیش‌رونده و استعلایی هم می‌باشد که به نوبه خود درون بینی، تعالی روحی، احساسی و ذوقی وی را در بردارد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴-۱۵).

توماس کورتیس^۱ و چارلز اسپایکر^۲ مجموعه‌هایت آموزش و پرورش را در قالب شش هدف کلی یعنی کیفیت زندگانی،^۳ انسانیت،^۴ تکثرگرایی فرهنگی، شهروندی،^۵ آموزش عمومی^۶ و رضایت شخصی^۷ (خودشکوفایی) معرفی کرده‌اند. از دیدگاه این صاحب‌نظران، تربیت هنری و زیباشناسی، به عنوان یک مؤلفه اساسی برای تحقق اهداف مذکور است. به این ترتیب، اهمیت این نوع از تربیت را از منظر مساعدتی که به تحقق سایر اهداف نظام آموزشی می‌کند نیز می‌توان بررسی کرد (کورتیس و اسپایگر، ۱۹۷۷). از سوی دیگر، در مورد توجیهات فلسفی تربیت زیبایی‌شناختی نیز فلاسفه به پرورش قدرت تخیل، زمینه‌های روان‌شناسی (هنر به عنوان وسیله‌ای برای رشد و بلوغ و مواجهه با تعارضات درونی)، تأمین رشد نیروی عقلانی، رشد اخلاقی و انتقال فرهنگ و پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی اشاره کرده‌اند (ال. الیاس، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷-۱۳۲).

در حال حاضر مقدمات شکل‌گیری یک نهضت یا جنبش تربیتی، در جهت احیای هنر در نظام‌های آموزشی، خصوصاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی، فراهم شده‌است. فلاسفه، در زمینه معرفی زیبایی‌شناسی به عنوان بخشی از آموزش و پرورش بنیادی، زیرساخت مستحکمی را به لحاظ نظری، فراهم ساخته‌اند که در سایه استلزامات آنها، اهتمام عملی به تربیت هنری، در نظام‌های آموزش و پرورش، امری خردمندانه قلمداد می‌شود و به یکی از کانون‌های توجه سیاست‌گذاران در

1. Thomas E.Curtis
2. Charles A.Speiker
3. quality of life
4. humaniy
5. citizenship
6. general education
7. personal satisfaction

عرصه اصلاحات نظام آموزشی بدل شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳؛ ال. الیاس، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴). از دید بسیاری از افراد شاخص در حوزه تعلیم و تربیت و خارج از آن، آموزش هنر باید در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌ای که به رسمیت شناخته شده‌اند (خواندن، نوشتن و حساب کردن)، به عنوان چهارمین مهارت اساسی، در برنامه درسی تأکید شود و بی‌مهری و انزوای سنتی و تاریخی از آن رخت بربندد. به خصوص، در کشوری مانند ایران، با غنای فرهنگی و هنری بالای خود، لازم است که به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی به عنوان یک راهبرد اصلاحی در اسناد حاوی سیاست‌های اصلاحات در آموزش و پرورش کشور، توجه ویژه گردد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). در مقاله حاضر تلاش شده، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهشی مسئله بررسی شود، سپس شبکه مفهومی زیبایی با توجه به آیات قرآن کریم ارائه و بعد دلالت‌های تربیتی آن در حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی استنباط گردد.

مبانی نظری

در مورد اهداف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، تاکنون، صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این دیدگاه‌ها را به دو دسته ماهیت‌گرایی^۱ و کاربردگرایی^۲ تقسیم کرد.

الف. ماهیت‌گرایی

ماهیت‌گرایان معتقدند که هنر یک تجربه یادگیری منحصر به فرد را فراهم می‌سازد که این تجربه از طریق یک برنامه درسی کیفی و کارآمد به منصفه ظهور می‌رسد که در هیچ‌یک از حوزه‌های محتوایی دیگر برنامه‌های درسی وجود ندارد. به اعتقاد آنها هنر یک منبع دانش، عقاید و ارزش‌ها در مورد انسان و جهان پیرامونی است که باید یک بخش اساسی از آموزش و پرورش هر شهروندی را تشکیل دهد. از این دیدگاه، هنر نه به دلیل نقش فرعی یا کمک‌رسان به حوزه‌های غیرهنری برنامه درسی، بلکه به دلیل ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ذاتی خود باید مورد توجه قرار بگیرد. همان‌طور که هری برودی^۳ نیز تصریح می‌کند. از نظر وی، تجربه زیبایی‌شناسی یک تجربه مهم و حیاتی است که تمام شناخت،^۴ قضاوت^۵ و

1. essentialism
2. instrumentalism
3. Harrys. Broudy
4. cognition
5. judgment

و عمل^۱ فرد بدان بستگی دارد (برودی، ۱۹۷۷؛ به نقل از: مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱).
الیوت آیزنر^۲ که در واقع سردمدار به رسمیت شناختن جایگاه هنر و تربیت هنری و زیبایی‌شناختی در برنامه‌های درسی مدارس است، مهم‌ترین اهداف برنامه درسی هنر را در قالب چهار هدف تولید هنری، نقادی هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی تبیین و تصریح می‌کند (مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰).

۱. تولید هنری

ملاحظه می‌شود در رویکرد تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، فرض اصلی آن است که دانش‌آموزان از طریق ساخت و تولید آثار مختلف هنری ضمن رشد مهارت‌های عملی، نیت و تمیّات درونی خود را در اشکال نمادین ابراز می‌دارند و از این طریق، فهم، شناخت و ارزش‌گذاری خود را از هنر و پدیده‌های مختلف هنری رشد و گسترش می‌دهند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۷۱-۷۴).

۲. نقادی هنر^۳

نقد، ارزیابی کارها، دلایل ارزیابی و قواعد و ملاک‌های قضاوت را در بر می‌گیرد به عقیده آشنر^۴ به نقل از (ال. الیاس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲-۱۳۵) به عقیده ماکسین گرین (۱۹۸۱)، وظیفه تربیت زیبایی‌شناختی این است که دانش‌آموزان را قادر سازد تا در راه درک هنری باسواد شوند. باسواد مستلزم مهارت‌های تفسیری مشخصی همچون قوه تمییز، حساسیت و پاسخ‌دهندگی است که در نقادی هنری کارایی دارند و باعث افزایش درک و ارزش‌گذاری هنر و نقش و جایگاه آن در جامعه می‌شوند.

۳. تاریخ هنر^۵

تاریخ هنر مستلزم بررسی و پژوهش درباره بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی پدیده‌های هنری است و بر ابعاد زمانی، سنت‌ها و سبک‌های مرتبط با آثار هنری متمرکز می‌باشد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴). گرین درک هنری را مشتمل بر تلاش‌های گوناگون برای آشنا کردن دانش‌آموزان با ساختارهای اشکال خاص هنری، زبان، تاریخ و مطالعه آن‌ها معرفی می‌کند.

1. action

2. Elliot w. Eisner

3. art Criticism

4. Ashner

5. art history

۴. زیباشناسی^۱

زیبایی‌شناسی توجه دانش‌آموزان را به فرایند آفرینش هنرمندانه، پدیده هنری، تفسیر و شناخت، ارزشیابی انتقادی و زمینه فرهنگی و اجتماعی آن معطوف می‌کند. ایجاد و رشد این تجربه زیبایی‌شناسی، حاصل تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مربوط به تولید هنری، نقّادی هنر و تاریخ هنر است. برنامه درسی هنر در این حوزه زیباشناسی، در پی آن است تا شناخت‌ها، عواطف و علایق مثبت و سازنده‌ای را در دانش‌آموزان، که نشانگر قدرشناسی و ارزش‌گذاری آنان به هنر و فعالیت‌های هنری است، ایجاد کند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷-۱۲۸).

ب. کاربردگرایی

دیدگاه کاربردگرایی اهداف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی را از منظر تأثیر و کمکی که هنر، به حصول و تحقق سایر اهداف نظام آموزشی می‌کند، مورد توجه قرار می‌دهد. دفاع از اهداف تربیت هنری و زیبایی‌شناختی از این منظر که اصولاً مطالعه هنر، توجه به فهم و بیان را افزایش داده و در نتیجه به رشد ساختار زبان و ارتباط، تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله کمک می‌کند، کاملاً قابل توجیه است (مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷-۲۲۸).

در جمع‌بندی این دیدگاه‌ها چنین می‌توان برداشت کرد که: هر دو دیدگاه به نوعی در تربیت هنری و زیبایی‌شناختی دارای ضرورت و مشروعیت می‌باشند. از یک‌سو، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی باید در برنامه درسی مدرسه جایگاه مناسبی داشته باشد؛ زیرا هنر ابعاد و پدیده‌های منحصربه‌فردی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. اما در عین حال، هیچ فرصتی را برای استفاده از قلمرو هنر جهت وصول و تحقق دیگر اهداف نظام آموزشی نباید از دست داد. همان‌طور که جان لنگستر هم به ترکیبی از هر دو دیدگاه اشاره می‌کند، به زعم وی اهداف برنامه درسی تربیت هنری و زیبایی‌شناختی باید زمینه‌های لازم را برای رشد مهارت‌های مربوط به دست‌ورزی کردن، کاربرد درست و صحیح مواد و وسایل هنری، بروز و تجلی احساسات درونی، ادراک بصری، کاربرد هنر در حوزه‌های دیگر برنامه درسی و قدردانی و ارزش‌گذاری آثار هنری فراهم آورد (به نقل از: مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸).

اگر در یک طبقه‌بندی کلی از مجموعه غایات و جهت‌گیری‌های نظام آموزشی، می‌توان گفت که تربیت هنری و زیبایی‌شناختی هم در تحقق اهداف عقلانی (درک و فهم، حل مسئله و خلاقیت) و هم در حصول اهداف عاطفی (شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی) و هم در بروز و تحقق اهداف عملی (ایجاد و رشد مهارت‌های مربوط به دست‌ورزی و ساختن اشیاء) نقش غیرقابل

1. aesthetics

انکاری دارد. از این‌روست که مکاتب گوناگون فکری، سیاسی، اعتقادی، هنر را به منزله وسیله‌ای کارآمد جهت توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه‌ای متناسب با اهداف خود به کار گرفته‌اند (میرزا بیگی، ۱۳۷۶، ص ۷۹).

پیشینه پژوهش

امینی (۱۳۸۴) در کتاب خود، با عنوان تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، به اهمیت کارکرد نظام آموزشی در زمینه پرورش قابلیت‌های زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان پرداخته‌است و بیان می‌کند که آموزش و تربیت هنری، اساساً در ابعاد مختلفی نظیر بروز خلاقیت، رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت‌های حرکتی و دست‌ورزی مواد و وسایل، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی دانش‌آموزان دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای است. این پژوهش درصدد بازشناسی، تبیین و اعاده جایگاه شایسته تربیت هنری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از طریق طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر و نیز مقایسه آن با برنامه درسی رسمی می‌باشد. سه رکن اساسی این الگو عبارت است از: رکن تجویزی (ناظر بر تدوین اهداف، انتخاب محتوا، تعیین روش‌های یاددهی و یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی تربیت هنری)، رکن غیرتجویزی (شامل انعطاف و عدم تمرکز در برنامه درسی هنر) و نیز رکن تلفیقی در برنامه درسی هنر.

رضایی (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان تربیت زیبایی‌شناسی و هنری (با تأکید بر آرای برودی)، به طرح موضوع معرفت زیبایی‌شناسی پرداخته‌است و به اهمیت پرورش اشکال چندگانه سواد از جمله سواد زیبایی‌شناسی توجه می‌دهد. در این مطالعه، مسئله اصلی، تبیین دیدگاه برودی (فیلسوف معاصر تعلیم و تربیت) درباره زیبایی‌شناسی و کاربردهای عام و خاص آن برای تعلیم و تربیت است. در این پژوهش فلسفی، از روش تحلیل محتوی بهره گرفته شد تا مفاهیم اصلی در نظریه زیبایی‌شناسی برودی تشریح و ارتباط مفاهیم با یکدیگر تبیین شود.

رشید، مهر محمدی، دلاور و قطریفی در پژوهشی (۱۳۸۷) با عنوان بررسی مراحل تحول زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان شهر تهران، به مقایسه و بررسی توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیرزیباشناسانه در دانش‌آموزان رده‌های سنی گوناگون شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از وجود سه مرحله در تحول زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان تهرانی است: عینی‌گرایی، داستان‌سرایی - عاطفه‌گرایی و در نهایت نمادگرایی. اطلاعات پژوهش نشان می‌دهد که توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیرزیباشناسانه با افزایش سن بهبود می‌یابد و این توانایی در دختران به طور معناداری بیشتر از پسران است.

شرفی در پژوهشی (۱۳۸۶) با عنوان آموزش هنر متناسب با فعالیت‌های زیباشناسانه تولید هنری و مفاهیم وابسته، به بهبود کیفیت برنامه‌های درسی و توجه به رویکرد تلفیقی می‌پردازد. در این پژوهش اشاره می‌شود که تمرکز بر فعالیت‌های زیباشناسانه، تولید هنری و یادگیری در زندگی واقعی می‌تواند منجر به کاهش فاصله میان آموزش هنر و یادگیری در کلاس درس شود و از هنر به عنوان پدیده‌ای که فرد را در فرایند تفکر ادراکی، عقلی، سازندگی، بیانی، اطلاعاتی و ارتباطی درگیر می‌کند، یاد می‌شود. شرفی از آموزش هنرهای زیبا در کنار خواندن و نوشتن و حساب کردن به عنوان پایه و یکی از اشکال سواد اطلاعاتی و بصری نام می‌برد و به بیان رویکردهای آموزش هنر همچون تولید هنری، زیبایی‌شناسی و نظایر آن می‌پردازد.

تحقیقاتی نیز در رابطه با اهداف آموزشی ایران انجام شد که برای پژوهش حاضر، از آنجا که در آنها به بعد هنری و زیبایی‌شناختی توجه شده، حائز اهمیت است:

نائینی در پژوهشی (۱۳۵۹) با عنوان هدف‌ها و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس برداشتی از قرآن، نهج‌البلاغه، اخبار و احادیث، اهداف آموزش و پرورش را بر اساس این منابع احصا کرده است که برخی از آنها به مباحث تربیت زیبایی‌شناسانه مرتبط است که عبارتند از: پرورش قدرت مشاهده و تفکر، طبیعت‌شناسی برای خداشناسی، برآوردن اصلی‌ترین نیاز انسان یعنی عشق و محبت به قدرت و زیبایی پروردگار متعال، احترام و رسیدگی و احسان به پدر و مادر، مهر و رحمت آوردن به خردسالان و ضعیفان.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۹) هدف‌های آموزش و پرورش را به هشت دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: هدف‌های اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، هنری و فرهنگی، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی. از این میان اهداف هنری و فرهنگی چنین بیان شده است: مدرسه رسالت دارد، دانش‌آموزان را با زیبایی‌ها، استعداد‌های هنری خود، خلاقیت، نوآوری، نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی و... آشنا و علاقه‌مند کند. همچنین مدارس باید دانش‌آموزان را با فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف ملی و جهانی آشنا سازند.

وزارت آموزش و پرورش (دبیرخانه طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش در پروژه تحقیقاتی (۱۳۸۴) با عنوان بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، یکی از ویژگی‌های انسان مطلوب را بهره‌مندی از سواد فرهنگی-هنری معرفی می‌کند. دانشگاه شهید بهشتی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پروژه تحقیقاتی (۱۳۸۴) با عنوان بررسی نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دوره آموزشی عمومی کشور، ضمن برشمردن نیازهای مختلف به نیاز فرهنگی-هنری اشاره کرده است.

رهنما به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پروژه تحقیقاتی (۱۳۸۴)، با عنوان بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب از نظر کاربرد آن در برنامه‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، از میان هفت ویژگی احصا شده به ویژگی زیبایی‌شناختی نیز پرداخته است.

در جمع‌بندی این پژوهش‌ها ذکر نکاتی ضروری است: با بررسی‌های به عمل آمده، به نظر می‌رسد پژوهش‌ها در حوزه هنر و زیبایی‌شناسی بیشتر ناظر به بحث آموزش هنر (فعالیت‌های خاص هنری) و جایگاه آن در برنامه درسی در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان می‌باشد. هرچند تربیت هنری به این معنا به دلیل آثار آن، درخور توجه و اعتنا است. اما به نظر می‌رسد که تربیت زیبایی‌شناختی (هنر به معنای عام آن) در نظام آموزش و پرورش کشور مورد بی‌توجهی افزون‌تری است و مفهوم‌پردازی جامع و دقیقی از معنا، گستره و حدود این نوع تربیت در نظام آموزش و پرورش کشور به‌ویژه از دیدگاه اسلامی انجام نشده است.

روش تحقیق

در این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده شده که بخش نخست آن به روش کیفی انجام شده است و به لحاظ گردآوری داده‌ها، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و در این بخش برای استنباط شبکه مفهومی زیبایی در قرآن و ملاحظه‌های آن در تعلیم و تربیت از روش تحلیل محتوای متن استفاده شده است. در بخش دوم تحقیق، به اعتباربخشی یافته‌های پژوهش پرداخته شده که به روش کمی انجام گرفته و یافته‌های تحقیق توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده است. اعتباربخشی روش‌های پژوهش کیفی به روش‌های مختلف انجام می‌گیرد که مثلث‌سازی^۱ یکی از این روش‌ها است. به کارگیری این روش، روایی مطالعه پدیده مورد نظر را نیز تضمین می‌کند؛ زیرا مقایسه نگرش به موضوع از منظرهای گوناگون، فهم و درک همه جانبه و عمیق واقعیت را میسر می‌کند (لطف آبادی، ۱۳۸۸).

مثلث‌سازی داده‌ها، مثلث‌سازی صاحب‌نظران و بررسی‌کنندگان، مثلث‌سازی نظریه، مثلث‌سازی روش‌شناختی، مثلث‌سازی محیطی، پنج نوع مثلث‌سازی هستند که تاکنون مورد توجه پژوهشگران کیفی قرار گرفته‌اند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸-۱۷۱). در این تحقیق به منظور کشف یا حداقل کردن نتایج سوگیرانه و افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش از مثلث‌سازی صاحب‌نظران و بررسی‌کنندگان استفاده شده است.

1. triangulation

پژوهشگر جهت بررسی فرضیات خود در قرآن، آیات قرآنی مورد استفاده در شبکه مفهومی زیبایی را جامعه آماری خود قرار داده است و از آنجا که بررسی دقیق آیات با نمونه‌گیری تصادفی ممکن نیست، نمونه‌گیری هدفمند یا داورانه^۱ را انتخاب کرده است. مؤلفه‌های کلیدی زیبایی و زیانمایی با روش تحلیل محتوا از آیات قرآن استخراج و از طریق روش مثلث‌سازی صاحب‌نظران جرح و تعدیل شدند، سپس پرسشنامه‌ای که حاوی دلالت‌های تربیتی استنباط شده از این مؤلفه‌ها بود، تنظیم شد و در اختیار صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی و علوم قرآنی قرار گرفت. سپس آزمون‌های کمی بر روی داده‌های استخراج شده از پرسشنامه انجام گرفت. برای سنجش پایایی این پرسشنامه به دلیل چندگزینه‌ای بودن و استفاده از مقیاس لیکرت از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آزمون فریدمن نیز به منظور اولویت‌بندی گزاره‌های مختلف و تعیین میزان توافق صاحب‌نظران از جهت اهمیت گزاره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق نرم‌افزار SPSS، ۰/۹۱ بدست آمد که مقدار قابل توجهی است. گفتنی است که روایی صوری یافته‌ها نیز مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

زیبایی‌شناسی قرآن کریم مبتنی بر اصلی است که برخاسته از ساختار ویژه زبان قرآن است. این ساختار، بیانگر نظم و پیوند میان موضوعات در شکل سازواره‌ای شده‌ای از مفاهیم است. از این رو برای کشف معنا، افزون بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ لغت و قرآن، باید واژه را در حوزه‌ای از واژه‌های دیگر و در ترکیب میان کلمات جستجو کرد و شبکه مفهومی آن را به دست آورد (خامه‌گر، ۱۳۸۲). از این رو، در این پژوهش، شبکه مفهومی زیبایی (و زیانمایی) بر اساس نوعی بررسی مفهوم‌شناختی در آیات قرآن تنظیم شده است که عبارت است: از فهم معنای یک مفهوم از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن، به طوری که جنبه‌های مهم و اختصاصی آن مفهوم و همچنین روابطش با دیگر مفاهیم آشکار شود. برای این منظور، نخست واژگان ناظر به زیبایی حقیقی^۲ و در مقابل آنها، واژگان ناظر به زیانمایی کاذب^۳ بررسی شد و سپس به فهم مفهوم زیبایی از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن در

۱. برای توصیف نوعی از نمونه‌گیری به کار می‌رود که در آن مواردی که از لحاظ اهداف تحقیق کیفی، اطلاعات غنی دارند، انتخاب می‌شوند (گال و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹).

۲. واژگان با ظهور بیشتر در زیبایی حقیقی عبارتند از: ۱. حسن؛ ۲. نور؛ ۳. حلیه؛ ۴. بهجت؛ ۵. جمال؛ ۶. حبک؛ ۷. صرح؛ ۸. حبر.

۳. واژگان با ظهور بیشتر در زیبایی کاذب (زیانمایی) عبارتند از: ۱. زینت؛ ۲. زخرف؛ ۳. تبرج؛ ۴. رؤیا؛ ۵. مشیده؛ ۶. تسویل.

آیات قرآنی پرداخته شد و در نهایت مفاهیم در قالب روابط این همانی، علی (شامل علل و معلول‌ها)، تقارنی، تقابلی و تباینی (روابط بین مفاهیم در شبکه معنایی) تنظیم شد. از بررسی این روابط دو نکته حاصل شد: یکی اینکه روابط «این همانی، علی و تقارنی» و نیز روابط «تقابلی و تباینی» دارای مفاهیم مشترکی هستند و دیگر اینکه بسیاری از مفاهیمی که در روابط این همانی و تقارنی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی شناسایی شد، با مفاهیم روابط تقابلی و تباینی واژگان ناظر به زیبایی کاذب (زیبانمایی) مشترک است و نیز بسیاری از مفاهیمی که در روابط تباینی و تقابلی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی شناسایی شد، با مفاهیم روابط تقارنی و این همانی واژگان ناظر به زیبایی کاذب (زیبانمایی) مشترک است.

در نهایت با بررسی مفاهیم مشترک روابط مذکور در شبکه مفهومی زیبایی، این نتیجه حاصل شد که در منطق قرآنی، مفاهیم زیبایی (و مفاهیم مقابل آن) خود مولد زیبایی (و یا زشتی) دیگری است. به دیگر سخن، (و مفاهیم مقابل آن) در حلقه‌های متوالی، مدام رشد و توسعه پیدا می‌کند و مرتبه به مرتبه افزون‌تر می‌شود. بنابراین، این مفاهیم مولد (زیبایی یا زیبایی کاذب)، مؤلفه‌های کلیدی این پژوهش را تشکیل داده که باز هم از میان آن‌ها مؤلفه‌های کلیدی با فراوانی ۱۰ مورد به بالا و با قابلیت استفاده در حیطه هدف‌گذاری برنامه درسی انتخاب گردیده‌اند که عبارتند از:

۱. صفات الهی (هدایت، غفران، رحمت و فضل الهی)

این صفات به عنوان بخشی از اسماء الحسنای الهی، طبق آیات ۴۶ سوره مائده برای صفت هدایت، آیات ۳۱-۳۲ سوره نجم برای صفت غفران، آیه ۲۸ سوره حدید برای صفت رحمت و آیات ۷-۸ سوره حجرات برای صفت فضل الهی، عامل زیبایی و نورآفرینی به حساب می‌آیند. خداوند با اسماء الحسنای خود، زیبایی‌های آیه‌ای (آیات آفاقی، آیات انفسی، کتاب الهی) را برای ما قرار داده است:

۲. آیات آفاقی

آیات مربوط به زیبایی‌های طبیعت را بیش از ۷۵۰ آیه شمار کرده‌اند که در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. زیبایی هندسه دقیق و منظم نظام آفرینش: با در نظر گرفتن آیات ۴۹ سوره قمر و ۷ سوره سجده، خلق دو صفت دارد: قدر (تناسب) و حسن (زیبایی) (بلخاری، ۱۳۸۴)؛
۲. زیبایی آسمان و ستارگان (صافات، ۶)؛

۳. زیبایی حرکت حیوانات (نحل، ۶)؛
۴. زیبایی منظره‌های زمین (نمل، ۶۰)؛
۵. زیبایی دریا (نحل، ۱۶)؛
۶. نعمت‌های بی شمار الهی (لقمان، ۲۰)؛
۷. روزی دادن از طیبات (غافر، ۶۴)؛
۸. قرار دادن زیورآلات برای انسان (رعد، ۱۷)
۹. زیبایی رنگ‌ها (بقره، ۱۳۸)؛
۱۰. پیراستگی از عیوب در نظام آفرینش (ق، ۶).

۳. آیات انفسی

برخی از نمونه آیتی که به بحث زیبایی در نفس انسانی پرداخته عبارتند از:

۱. خلقت زیبای انسان و مراحل زندگی او: (مؤمنون، ۱۴) (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۳-۱۴)؛
۲. فطری بودن زیبایی طلبی در انسان: مهم‌ترین روایت اسلامی در بحث زیبایی‌شناسی، حدیث «الله جمیل یحب الجمال» است (ابن مکی (شهید اول)، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۲). از این رو، در فطرت انسان که خلیفه الهی در زمین است نیز حس زیبایی‌دوستی و زیبایی‌جویی نهاده است (اعراف، ۳۱-۳۲) (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۸۱)؛
۳. پرورش زیبای الهی (آل عمران، ۳۷) (رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۴۶۴)؛
۴. زیبایی‌های دنیوی به منظور آزمایش انسان (کهف، ۷)؛
۵. مصنوعات زیبای بشر: در آیه ۱۴ سوره نحل، خداوند می‌فرماید ما امکانات را در اختیار قرار دادیم تا مصنوعات زیبا را استخراج کنید.

۴. زیانمایی‌های دنیوی از آفاق و انفس

نکته‌ای که در ارتباط با آیات آفاقی و انفسی قابل ذکر و توجه است، این است که افراط در استفاده و دل‌بستگی به زیبایی‌های دنیوی (از مجموعه آیات آفاقی و انفسی) باعث تبدیل آنها به زیانمایی می‌گردد. این مضمون از آیه ۱۴ سوره آل عمران قابل برداشت است.

۵. نزول کتاب الهی

در آیه ۵۲ سوره شوری، کتاب الهی به منزله نور و در آیه ۵۵ سوره زمر، به منزله نیکوترین کلام

تلقی شده است. در ضمن باید توجه داشت که اثرگذاری معنوی قرآن در شناخت جایگاه زیبایی‌شناسی در آن اهمیت محوری دارد. قرآن کریم نیز این ویژگی را در آیه ۲۳ سوره زمر یادآور شده است.

۶. زیبایی‌های اعتقادی شامل ایمان به خداوند زیبا و خالق زیبایی‌ها

در هستی تمام زیبایی‌ها مستند به خداوند است و او سرچشمه همه زیبایی‌ها است (حشر، ۲۴)، اوست که زیبایی‌ها را برای بندگانش بیرون آورده است (اعراف، ۳۲)، چهره زمین را به زیورها آراسته است (کهف، ۷)، آسمان را زینت بخشیده است (صافات، ۶) و کار هر گروه را نزد خودشان جلوه داده است (انعام، ۱۰۸). بنابراین، در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره نساء از ایمان به چنین خداوندی به منزله امر نیکو و زیبا و در آیه ۸ سوره تحریم به منزله نور الهی یاد شده است.

۷. زیبایی‌های عملکردی شامل اعمال صالح

در آیه ۳۰ سوره کهف، از اعمال صالح به عنوان احسن عمل یاد شده و با توجه به ترجمه انصاریان در آیات ۱۵-۱۶ سوره مائده، نور به معنای عمل صالح ذکر شده است. زیرمجموعه اعمال صالح عبارتند از:

۱-۷. تهذیب نفس

تقوا: با توجه به آیات ۳۳-۳۴ سوره زمر، تقوا از صفات محسنین محسوب می‌شود و در آیه ۲۸ سوره حدید از تقوا به منزله نور الهی یاد شده است.
استغفار: در آیه ۸ سوره تحریم نیز استغفار با دریافت نور الهی همراه شده است و با توجه به آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره ذاریات استغفار از صفات محسنین به حساب می‌آید.
توبه: در آیه ۸ سوره تحریم، توبه با دریافت نور الهی همراه شده است.

۲-۷. فضایل اخلاقی

صبر: مطابق با آیه ۵ سوره ابراهیم، صبر با دریافت نور الهی رابطه مستقیم دارد. در روایتی از امام صادق (ع)، صبر جمیل، به صبر بدون شکوه و گله‌گذاری معنا شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۵۲، ح ۱۴۸).
انفاق: با در نظر گرفتن آیات ۹ تا ۱۰ سوره حدید، انفاق با دریافت نور الهی رابطه مستقیم برقرار می‌کند و مطابق با آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، یکی از صفات محسنین، انفاق‌کنندگی است.

۷-۳. کسب بصیرت

بنا بر آیه ۱۶ سوره رعد یکی از مصادیق نور الهی بصیرت است و نیز از آیه ۱۸ سوره زخرف چنین نتیجه می‌شود که کسی که در زیورآلات پرورش یافته، فاقد روشن بینی و بصیرت است بنابراین، کسی که با زیبایی حقیقی دمساز باشد، دارای روشن بینی خواهد بود. با توجه به آیات ۴۶ سوره حج و نیز ۱۷۹ سوره اعراف، از بهره‌گیری از حواس ظاهری و باطنی به عنوان ابزار کسب بصیرت می‌توان یاد کرد.

۷-۴. علم ورزی

برابر با آیه ۳۲ سوره اعراف، درک قرار گرفتن زینت‌های الهی برای بندگان خداوند تنها توسط عالمان صورت می‌گیرد و نیز با توجه به آیه ۹ سوره حدید یکی از معانی نور، علم و دانش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۱۸). با توجه به آیه ۱۲۵ سوره نحل، استفاده از زیباترین روش گفتگو و مباحثه و نیز با توجه به آیه ۱۸ سوره زمر، انتخاب زیباترین کلام را می‌توان به عنوان ابزار علم‌ورزی به شمار آورد.

۷-۵. اقامه نماز

با توجه به آیه ۱۱۴ سوره هود، نماز از مصادیق حسن به شمار می‌آید.

۷-۶. دعا

با در نظر گرفتن آیه ۵۶ سوره اعراف، دعا به درگاه الهی یکی از صفات محسنین محسوب می‌شود.

۸. پاداش الهی (بهشت با همه نعمت‌هایش)

نتیجه زیبایی‌های اعتقادی و عملکردی از جانب انسان، زیبایی اخروی از جانب خداوند است. بنا بر آیه ۴۰ سوره نساء یکی از مصادیق حسن دریافت پاداش الهی است که نمونه آن، بهشت با همه نعمت‌هایش می‌باشد و برابر با آیه ۱۱ سوره طلاق، می‌توان آن را در ارتباط مستقیم با دریافت نور الهی دانست.

۹. زیبایی‌های کاذب اعتقادی

۹-۱. کفر (مؤلفه مقابل ایمان)

کفر به معنای کتمان و پوشاندن زیبایی حقیقی (خداوند) در عالم است. قرآن در آیات ۱۰۴-۱۰۵

سوره کهف، ما را از اشتباه گرفتن سراب زیبایی به جای زیبایی متین باز می‌دارد. در آیه ۲۱۲ سوره بقره، پوشاندن حقایق یا همان کفر به عنوان عاملی معرفی شده است که باعث زینت اعمال زشت در نظر آدمی می‌شود و مطابق با آیه ۱۲۲ سوره انعام، چنین کافری در ظلمتی است پایان‌ناپذیر.

۹-۲. شرک

مطابق با آیه ۱۲۱-۱۲۲ سوره انعام، شرک با ظلمت ملازمت دارد. در آیه ۳۳ سوره رعد، قرآن مشرکان را پوشاننده حقایق معرفی می‌کند. شرک همچنین از جمله عوامل تزئین است، مشرکان را تا آنجا پیش می‌برد که بنابر آیه ۱۳۷ سوره انعام، حتی قتل فرزندانشان را در راه شرکایی که برای خدا قائلند، زیبا می‌بینند.

۱۰-۱. زیبایی‌های کاذب عملکردی انسان شامل اعمال بد (مؤلفه مقابل اعمال صالح)

با توجه به آیات ۲۶-۲۷ سوره یونس، انجام اعمال زشت باعث ظلمت‌آفرینی است. زیرمجموعه اعمال بد عبارتند از:

۱۰-۱. به ضلالت رفتن و انحراف از راه خدا

بنابر آیه ۳۸ سوره عنکبوت، اگر کسی کار خود را زشت دید، امکان هدایت او بیشتر است، اما اگر آن را زیبا دید امکان هدایت یافتنش بسیار کم می‌شود و به عبارتی از راه هدایت منصرف می‌شود. با توجه به آیه ۵ سوره ابراهیم، یکی از معانی ظلمت، به گمراهی رفتن است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۸، ص ۳۲۰).

۱۰-۲. رذایل اخلاقی

ظلم: بر اساس آیه ۱۲ سوره احقاف، مفهوم ظلم در مقابل مفهوم حسن قرار دارد و نیز همان‌طور که از آیه ۷-۸ سوره صف بر می‌آید، ظلم در جهت ظلمت‌آفرینی و مبارزه با نور الهی حرکت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۴۳۱).

فسق: با توجه به آیه ۷ سوره حجرات، فسق به دلیل زشتی ذاتی‌اش مورد کراهت مؤمنان است و نیز آیات ۱۲۱ تا ۱۲۲ سوره انعام، بر ملازمت فسق با ظلمت دلالت دارد.

عصیان و طغیان در برابر خدا: با توجه به آیه ۷ سوره حجرات، عصیان در برابر خداوند به دلیل زشتی ذاتی‌اش مورد کراهت مؤمنان است و نیز مطابق آیه ۵ سوره ابراهیم، ظلمات به عصیان در برابر خداوند تفسیر شده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۸، ص ۳۲۰).

نفاق: برابر با آیه ۱۰۰-۱۰۱ سوره توبه، مفهوم نفاق در تباین با مفهوم حسن قرار دارد و بر اساس آیه ۴۳ سوره احزاب، یکی از تعابیر ظلمات، نفاق ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۵۳).

۱۰-۳. جهل (مؤلفه مقابل علم‌ورزی)

از آیه ۸ سوره حج چنین بر می‌آید که جهل با نورانیت نسبتی ندارد و بر اساس آیه ۱۲۲ سوره انعام، یکی از معانی ظلمت، جهل ذکر شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۴۶۴-۴۶۵).

۱۱. عذاب اخروی الهی (جهنم با همه عذاب‌هایش)

نتیجه زشتی‌های اعتقادی و عملکردی از جانب انسان، زشتی اخروی از جانب خداوند است. بنابر آیه ۱۶ سوره فتح، عذاب الهی در مقابل حسن قرار دارد و نمونه آن، دوزخ با همه عذاب‌هایش می‌باشد و نیز برابر با آیات ۲۶ تا ۲۷ سوره یونس، می‌توان آن را در ارتباط مستقیم با گرفتار ظلمت بودن دانست.

دلالت‌های تربیتی

نگارندگان با توجه به مؤلفه‌های کلیدی زیبایی و زیانمایی استخراج شده از شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم، در نهایت دلالت‌های تربیتی آنها را در حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی استنباط کرده‌اند. این دلالت‌ها، با توجه به جنبه‌های عقلانی (شناخت و بینش)، عاطفی (گرایش و نگرش)، ارادی (نیت و تصمیم) و عملی (کنش و تداوم آن) تنظیم گردیده‌اند که در ذیل بیان می‌شود. لازم به ذکر است که موارد درک ناظر به جنبه عقلانی، موارد توجه، لذت بردن، تنفر، قدردانی، رضایتمندی ناظر به جنبه عاطفی، موارد باور یا ایمان ناظر به جنبه‌های عقلانی و ارادی، موارد تصمیم برای استفاده، التزام و یا پرهیز ناظر به جنبه ارادی و موارد استفاده، التزام و پرهیز ناظر به جنبه عملی هستند.

الف. دلالت‌های زیبایی‌شناسانه قرآن کریم برای حیطه هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی برآمده از

مؤلفه‌های کلیدی زیبایی

با توجه به مؤلفه «صفات الهی» (مؤلفه ۱)، دلالت زیر به دست می‌آید:

۱. درک و تفکر در اسماء حسناى الهی (صفات هدایت، غفران، رحمت و فضل الهی) و باور

به تحقق آنها؛

- با توجه به مؤلفه «آیات آفاقی» (مؤلفه ۲)، دلالت‌های ذیل بدست می‌آید:
۲. درک و ایمان به احسن الخالقین و احسن صورتگران بودن خداوند در آفرینش جهان طبیعت و رضایتمندی از او؛
 ۳. درک زیبایی‌های طبیعت به منزله آیات و تجلیات احسن خداوند و باور به آنها به عنوان مظاهر جمال خداوند که به بهترین شکل زیبای خود خلق شده؛
 ۴. درک تقدیر الهی در تجلیات زیبای آفرینش و باور به آن؛
 ۵. درک حکمت الهی در پیراسته بودن نظام آفرینش از اختلال، بی‌نظمی و عیوب و باور به آن؛
 ۶. باور به ارزشمندی جهان زیبای آفرینش و تعامل عاطفی و معنوی با آن؛
 ۷. درک معنا و روابط میان پدیده‌های زیبای جهان آفرینش به منزله آیات و تجلیات زیبای خداوند؛
 ۸. لذت‌بردن و قدردانی از آیات آفاقی خداوند که در زیباترین شکل خود خلق شده؛
با توجه به مؤلفه «آیات انفسی» (مؤلفه ۳)، دلالت‌های ذیل بدست می‌آید:
 ۹. درک و ایمان به احسن الخالقین و احسن صورتگران بودن خداوند در آفرینش انسان و رضایتمندی از او؛
 ۱۰. درک زیبایی آفرینش انسان در بهترین شکل زیبای خود از طرف خداوند و باور به آن؛
 ۱۱. درک فطری بودن زیبایی در انسان و باور به آن؛
 ۱۲. درک مایه آزمایش بودن زیبایی‌های دنیوی برای انسان و باور به آن؛
 ۱۳. لذت‌بردن و قدردانی از آیات انفسی خداوند که در زیباترین شکل خود خلق شده؛
 ۱۴. تصمیم برای استفاده از امکانات الهی برای اخراج مصنوعات زیبا در جهت رسیدن به جمال مطلق الهی نه بهره‌برداری کاذب از زیبایی و استفاده از این امکانات؛
با توجه به مؤلفه «نزول کتاب الهی» (مؤلفه ۵)، دلالت ذیل بدست می‌آید:
 ۱۵. درک، باور و توجه به نور بودن و احسن الحدیث بودن کتاب الهی و از میان برنده‌ی ظلمات (زشتی‌ها)؛
 - با توجه به مؤلفه «زیبایی‌های اعتقادی شامل ایمان به خداوند زیبا و خالق زیبایی‌ها» (مؤلفه ۶)، این دو دلالت زیر به دست می‌آید:
 ۱۶. درک، توجه و ایمان به خداوند به عنوان تنها زیبایی حقیقی در عرصه وجود و لذت‌بردن از ایمان به خداوند زیبا و دوستدار زیبایی‌ها؛
 ۱۷. درک ایمان به منزله زیباترین باور و سبب نورانی شدن و لذت‌بردن از آن؛

از مؤلفه زیبایی‌های عملکردی شامل اعمال صالح (مؤلفه ۷)، به طور کلی دلالت ذیل استخراج می‌شود:

۱۸. درک، باور، تصمیم و التزام به اعمال صالح به منزله زیباترین اعمال نورآفرین و لذت‌بردن از آن؛

اما اعمال صالح شامل زیرمؤلفه‌های تهذیب نفس، فضایل اخلاقی، کسب بصیرت، علم‌ورزی، اقامه نماز و دعا است. بنابراین، با در نظر گرفتن زیرمؤلفه «تهذیب نفس» (مؤلفه ۷-۱)، دلالت زیر بدست می‌آید:

۱۹. درک، توجه، باور به زیبایی و نورآفرینی تهذیب نفس و لذت‌بردن از زیبایی و نورانیت تهذیب نفس (موارد تقوا، استغفار و توبه) و تصمیم و التزام به آن برای زیباسازی و نورانی کردن درون و برون؛

با توجه به زیرمؤلفه «فضایل اخلاقی» (مؤلفه ۷-۲)، دلالت زیر به دست می‌آید:

۲۰. درک، توجه و باور به زیبایی و نورآفرینی فضایل اخلاقی (موارد صبر و انفاق) و لذت‌بردن از زیبایی و نورانیت آنها و تصمیم و التزام به آنها برای زیباسازی و نورانی کردن درون و برون؛

با توجه به زیرمؤلفه «کسب بصیرت» (مؤلفه ۷-۳)، دلالت‌های زیر به دست می‌آید:

۲۱. درک بینش و بصیرت به منزله نور الهی و زیبایی‌آفرین و کسب آن در اثر شناخت زیبایی‌های حقیقی؛

۲۲. توجه به زیبایی حقیقی برای به دست آوردن بینش و بصیرت (روشن‌بینی) و تنفر از زیبایی‌های کاذب برای از بین بردن آن؛

۲۳. تصمیم و التزام به تقویت مهارت‌های ارتباطی نظیر شنیدن و دیدن در یادگیرندگان در جریان شناخت زیبایی‌های حقیقی برای کسب بینش و بصیرت؛

۲۴. تصمیم و التزام به فراهم آوردن زمینه مناسب به منظور مواجهه حسی یادگیرندگان با جهان زیبای آفرینش؛

۲۵. تصمیم و التزام به توسعه توانمندی‌های مشاهده غیرعینی و غیرمادی (شنیدن و دیدن باطنی به منظور تعقل و تفقه) در جریان شناخت زیبایی‌های حقیقی برای کسب بینش و بصیرت؛

با توجه به زیرمؤلفه «علم‌ورزی» (مؤلفه ۷-۴)، دلالت‌های ذیل استخراج می‌شود:

۲۶. درک علم به منزله نور الهی و زیبایی‌آفرین و کسب آن برای به دست آوردن زیبایی و علاقه به آن؛

۲۷. تصمیم و استفاده از زیباترین روش گفتگو و مباحثه برای کسب علم به منزله نور الهی و زیبایی آفرین؛
۲۸. تصمیم و التزام به انتخاب زیباترین کلام برای کسب علم به منزله نور الهی و زیبایی آفرین؛
- با توجه به زیرمؤلفه «اقامه نماز» (مؤلفه ۷-۵)، دلالت زیر بدست می‌آید:
۲۹. درک، توجه و باور به زیبایی فرائض دینی (نماز) و لذت‌بردن از آن و تصمیم و التزام به انجام آن به عنوان عامل زیبایی؛
- با توجه به زیرمؤلفه «دعا» (مؤلفه ۷-۶)، دلالت ذیل بدست می‌آید:
۳۰. درک، توجه و باور به زیبایی ارتباط با خدا و لذت بردن از آن و تصمیم و التزام به دعا به درگاه الهی؛
- با در نظر گرفتن مؤلفه «پاداش الهی (بهشت با همه نعمت‌هایش)» (مؤلفه ۸)، دلالت ذیل استخراج می‌گردد:
۳۱. درک، توجه و باور به پاداش نیکو زیبای الهی در ازای نیکوکاری و آفرینش زیبایی‌های اعتقادی و عملکردی.
- ب) دلالت‌های زیبایی‌شناسانه قرآن کریم برای حیطة هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی برآمده از مؤلفه‌های کلیدی زیانمایی**
- با توجه به مؤلفه «زیانمایی‌های دنیوی از آفاق و انفس» (مؤلفه ۴)، دلالت زیر بدست می‌آید:
۳۲. درک زودگذر و فانی بودن زیبایی‌های دنیوی و باور به آن و تصمیم به پرهیز و پرهیز از دل بستگی به آنها؛
- مؤلفه «زیبایی‌های کاذب اعتقادی» (مؤلفه ۹)، شامل زیرمؤلفه‌های کفر و شرک است. بنابراین، با توجه به زیرمؤلفه «کفر» (مؤلفه ۹-۱)، دلالت زیر استنتاج می‌شود:
۳۳. درک، باور به کفر به منزله پوشاننده زیبایی حقیقی در عرصه وجود و زیانمایی اعمال زشت و ایجاد کننده ظلمت و تنفر و پرهیز از آن؛
- و نیز با توجه به زیرمؤلفه «شرک» (مؤلفه ۹-۲)، دو دلالت زیر استخراج می‌شود:
۳۴. درک، باور به شرک به منزله پوشاننده زیبایی حقیقی در عرصه وجود و زیانمایی اعمال زشت و ایجاد کننده ظلمت و تنفر و پرهیز از آن؛
۳۵. درک و باور به توحید به منزله عامل زیبایی و نورآفرین و لذت بردن از آن؛

از مؤلفه «زیبایی‌های کاذب عملکردی شامل اعمال بد» (مؤلفه ۱۰)، به طور کلی دلالت ذیل به دست می‌آید:

۳۶. درک و باور به اعمال بد به منزله زشت‌ترین اعمال ظلمت‌افزا و تنفر از آنها و تصمیم به پرهیز و پرهیز از این اعمال؛

اما اعمال بد شامل زیرمؤلفه‌های به ضلالت رفتن و انحراف از راه خدا، رذایل اخلاقی و نیز جهل می‌باشد. بنابراین با توجه به زیرمؤلفه «به دلالت رفتن و انحراف از راه خدا» (مؤلفه ۱۰-۱)، دلالت زیر استخراج می‌شود:

۳۷. درک و باور به گمراهی و انحراف از راه خدا به منزله عامل زشتی و ایجاد کننده ظلمت و تنفر از آن و تصمیم به پرهیز و پرهیز از گمراهی و انحراف از راه خدا؛

با در نظر گرفتن زیرمؤلفه «رذایل اخلاقی» (مؤلفه ۱۰-۲)، دلالت زیر استنتاج می‌شود:

۳۸. درک و باور به رذایل اخلاقی (موارد ظلم، فسق، عصیان و طغیان در برابر خدا و نفاق) به منزله عامل زشتی و ایجاد کننده ظلمت و تنفر از آنها و تصمیم به پرهیز و پرهیز از رذایل اخلاقی؛

با توجه به زیرمؤلفه «جهل» (مؤلفه ۱۰-۳)، دلالت زیر بدست می‌آید:

۳۹. درک و باور به جهل به منزله عامل زشتی و ایجاد کننده ظلمت و تنفر از آن و تصمیم به پرهیز و پرهیز از جهل؛

با در نظر گرفتن مؤلفه «عذاب اخروی الهی (جهنم با همه عذاب‌هایش)» (مؤلفه ۱۱)، دلالت زیر بدست می‌آید:

۴۰. درک، توجه و باور به عذاب اخروی در ازای بدکاری، ایجاد زشتی‌ها و ظلمت‌های اعتقادی و عملکردی.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی دلالت‌های شبکه مفهومی زیبایی در قرآن کریم برای حیطة هدف‌گذاری برنامه‌ریزی درسی، انجام شد. بدین منظور، نخست، این شبکه قرآن کریم تشکیل و روشن شد که مؤلفه‌های کلیدی زیانمایی (مانند کفر، شرک، به ضلالت رفتن، ظلم، جهل، فسق، عصیان و نفاق)، مواردی هستند که مرتبه به مرتبه حقیقت را در حجاب فرو می‌برند و مؤلفه‌های کلیدی زیبایی (نظیر ایمان، صبر، انفاق، استغفار، کسب بصیرت، علم‌ورزی، توبه، اقامه نماز و دعا) مؤلفه‌هایی هستند که با پرده‌برداری از حقیقت هستی، مرتبه به مرتبه زمینه رسیدن و قرب به آن

را فراهم می‌کنند. بنابراین، معیار ما در تشخیص زیبایی حقیقی از زیبایی کاذب، حقیقت‌نمایی خواهد بود. در ادامه جهت تکمیل دلالت‌های زیبایی‌شناسانه قرآن کریم برای برنامه‌ریزی درسی پیشنهاد می‌شود که شیوه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه قرآنی نیز کنکاش شود، بررسی‌های عمیقی در زمینه روایات انجام شود و نیز ضمن پژوهش‌های دیگر، دلالت‌های زیبایی‌شناسانه قرآن کریم برای دیگر ابعاد برنامه‌ریزی درسی از جمله محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی نیز شناسایی شود.



منابع

- ال. الیاس، جان (۱۳۸۵)، فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ابن مکی، محمد (شهید اول) (۱۳۷۲)، قواعد فقه: ترجمه القواعد و الفوائد، ج ۲، ترجمه مهدی صانعی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱)، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم.
- امینی، محمد (۱۳۸۴)، تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران: نشر آبیژ.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۴)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، ج ۱ و ۲. تهران: نشر سوره مهر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، هنر و زیبایی از منظر دین، تهران: نشر بنیاد سینمایی فارابی.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۲)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- دبیرخانه طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش در پروژه تحقیقاتی (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- رشید، خسرو؛ مهرمحمدی، محمود؛ دلاور، علی؛ قطریفی، مریم (۱۳۸۷)، «بررسی مراحل تحول زیباشناسی در دانش‌آموزان شهر تهران»، نشریه نوآوری‌های آموزشی، ش ۲۷، ص ۹۷-۱۲۴.
- رضایی، منیره (۱۳۸۹)، تربیت زیبایی‌شناسی و هنری، مطلوب از نظر کاربرد آن در برنامه‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶)، فرهنگ قرآن، ج ۱۵، قم: بوستان کتاب.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پروژه تحقیقاتی (۱۳۸۴)، بررسی نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دوره آموزشی عمومی کشور، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شرفی، حسن (۱۳۸۶)، «آموزش هنر متناسب با فعالیت‌های زیباشناسانه تولید هنری و مفاهیم وابسته»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۲، ص ۸۱-۹۲.

- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۹)، اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶)، تفسیر المیزان، ۲۰ ج. ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: نشر اسماعیلیان.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۸)، بررسی مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی جهت تعیین مهارت‌ها و نگرش‌های اساسی مورد نظر در برنامه درسی، دبیرخانه طرح برنامه درسی ملی.
- گال مردیت و دیگران (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ج ۱، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸)، روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی: نوآوری در ترکیب رویکردهای پژوهش کمی و کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ۲۷ ج، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳)، آموزش عمومی هنر، تهران: نشر مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود و امینی، محمد (۱۳۸۰)، «طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۱، ش ۳۹، ص ۲۱۹-۲۴۶.
- میرزا بیگی، علی (۱۳۷۶)، نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران: نشر مدرسه.
- نائینی، محمدکاظم (۱۳۵۹)، هدف‌ها و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس برداشتی از قرآن، نهج‌البلاغه، اخبار و احادیث، تهران: دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف سازمان آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، ج ۸. تهران: نشر اسلامیه.
- Broudy, Harry (1977), How Basic is Aesthetic Education? Or Is' Rt the Fourth R? Educational Leadership. Vol35.
- Curtis, Thomas E. Speiker, Charles A (1977), Aesthetics in American Education: A Position Statement. Education alleader ship. Vol35.
- Eisner, Elliot W (1994), *Cognition and curriculum reconsidered*. 2nd ed. New York: Teachers College Press.